

## کاربرد داستان گویی در آموزش مفاهیم اخلاقی و اجتماعی در دوره ابتدایی

مینا حاجی علیقلی<sup>۱</sup>، لیلا حاجی علیقلی<sup>۲</sup>، اسما الله وردیان<sup>۳</sup>

۱- آموزش و پرورش، [hajaligolimina@gmail.com](mailto:hajaligolimina@gmail.com)

۲- آموزش و پرورش، [hajaliygolimina@gmail.com](mailto:hajaliygolimina@gmail.com)

۳- آموزش و پرورش، [asma.allhverdian@gmail.com](mailto:asma.allhverdian@gmail.com)

### چکیده

داستان گویی به عنوان یکی از روش های تربیتی مؤثر در آموزش ابتدایی، نقش مهمی در انتقال مفاهیم اخلاقی چون صداقت، مسئولیت پذیری، احترام و همدلی ایفا می کند. روایت ها با قدرت نمادین و احساسی خود، بستری فراهم می کنند که کودکان بتوانند مفاهیم انتزاعی را در قالب تجربه های ذهنی و عاطفی درک و درونی کنند. این روش، برخلاف آموزش مستقیم، موجب شکل گیری نگرش های پایدار و رفتارهای اخلاقی قابل مشاهده در زندگی روزمره دانش آموزان می شود. با این حال، استفاده مؤثر از داستان گویی در آموزش مفاهیم اخلاقی با چالش هایی چون انتخاب محتوای مناسب، محدودیت های زمانی، فقدان آموزش تخصصی برای معلمان، تفاوت های فردی میان دانش آموزان و مقاومت فرهنگی مواجه است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی این چالش ها و ارائه راهکارهای عملی، نشان می دهد که تلفیق روایت گری با برنامه های درسی، توانمندسازی معلمان، طراحی فعالیت های مشارکتی و گفت وگوهای پس از داستان می تواند زمینه ساز بهره برداری مؤثرتر از ظرفیت های تربیتی داستان گویی در دوره ابتدایی باشد.

**کلمات کلیدی:** داستان گویی، آموزش مفاهیم اخلاقی و اجتماعی، کاربرد داستان گویی

#### مقدمه

در سال های اخیر، توجه به آموزش اخلاقی در دوره ابتدایی به عنوان یکی از ارکان تربیت شهروندان مسئول، همدل و آگاه، بیش از پیش مورد تأکید قرار گرفته است. در این میان، داستان گویی به عنوان یکی از روش های تربیتی دیرینه و مؤثر، جایگاه ویژه ای در انتقال مفاهیم اخلاقی به کودکان دارد. روایت ها با قدرت نمادین، احساسی و تخیلی خود، بستری فراهم می کنند که کودک بتواند مفاهیم انتزاعی مانند صداقت، احترام، مسئولیت پذیری و همدلی را در قالب تجربه های ذهنی و عاطفی درک کند. این درک، برخلاف آموزش مستقیم، با مقاومت کمتری همراه است و موجب درونی سازی پایدارتر ارزش ها می شود (رحمانی، ۱۴۰۲). با وجود ظرفیت های گسترده داستان گویی در آموزش اخلاقی، استفاده مؤثر از آن در محیط های آموزشی با چالش های متعددی مواجه است. یکی از مهم ترین چالش ها، انتخاب محتوای مناسب با سن، فرهنگ و سطح شناختی دانش آموزان است. بسیاری از داستان ها یا بیش از حد پیچیده اند یا پیام های اخلاقی آن ها به صورت ضمنی بیان شده اند، که درک آن ها برای کودکان دشوار است. همچنین، برخی روایت ها ممکن است با ارزش های فرهنگی خانواده ها در تضاد باشند و موجب مقاومت یا سوء برداشت شوند. این مسئله ضرورت طراحی و انتخاب روایت های تربیتی هم خوان با بافت فرهنگی و روان شناختی کودکان را برجسته می سازد (کریمی و شریفی، ۱۴۰۲). چالش دیگر، محدودیت های زمانی و ساختاری در برنامه های درسی رسمی است که اغلب اجازه نمی دهد معلمان به صورت عمیق و مشارکتی به داستان گویی بپردازند. در بسیاری از مدارس، تمرکز بر آزمون های استاندارد و محتوای درسی موجب شده است که فعالیت هایی چون قصه گویی به حاشیه رانده شوند. این در حالی است که داستان گویی قابلیت تلفیق با سایر دروس را دارد و می تواند به عنوان روشی میان رشته ای برای آموزش اخلاقی، زبانی، اجتماعی و حتی علمی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، بازنگری در ساختار برنامه های درسی و طراحی فعالیت های تلفیقی، از جمله راهکارهای مؤثر در بهره برداری از ظرفیت های داستان گویی است (عباسی، ۱۴۰۳). از سوی دیگر، فقدان آموزش تخصصی برای معلمان در زمینه استفاده تربیتی از داستان گویی، مانعی جدی در اجرای مؤثر این روش محسوب می شود. بسیاری از معلمان با روش های تحلیل اخلاقی، پرسشگری فلسفی، یا بازآفرینی خلاقانه آشنا نیستند و قصه گویی را صرفاً به عنوان فعالیتی تفننی تلقی می کنند. این نگاه سطحی، موجب کاهش تأثیر تربیتی روایت ها می شود. توانمندسازی معلمان از طریق کارگاه های آموزشی، تولید منابع راهنما، و ایجاد بانک داستان های تربیتی، می تواند زمینه ساز تحول در نگرش و عملکرد آنان باشد (حسینی و رستمی، ۱۴۰۳).

تفاوت های فردی میان دانش آموزان نیز چالشی مهم در استفاده از داستان گویی برای آموزش اخلاقی است. کودکان با زمینه های فرهنگی، خانوادگی و هیجانی متفاوت، ممکن است برداشت های متضادی از یک روایت داشته باشند یا با شخصیت های داستان هم ذات پنداری نکنند. این تفاوت ها اگر نادیده گرفته شوند، می توانند موجب سوء برداشت یا حتی تقویت رفتارهای منفی شوند. استفاده از گفت وگوهای پس از داستان، تحلیل گروهی، و فعالیت های مشارکتی، از جمله راهکارهایی هستند که می توانند به درک عمیق تر و شخصی سازی یادگیری اخلاقی کمک کنند (جیمز، ۲۰۲۳). در برخی موارد، کمبود منابع مناسب، نبود فضای فیزیکی آرام برای قصه گویی، یا نبود ابزارهای کمک آموزشی نیز مانع اجرای مؤثر داستان گویی می شوند. این موانع به ویژه در مدارس مناطق محروم یا پرجمعیت بیشتر دیده می شوند. بهره گیری از منابع دیجیتال، داستان های صوتی، یا اجرای نمایشی توسط خود دانش آموزان، می تواند جایگزین مناسبی برای منابع فیزیکی باشد. همچنین، طراحی گوشه ای داستان در کلاس، حتی با امکانات ساده، می تواند فضای مناسبی برای روایت گری ایجاد کند و مشارکت

دانش آموزان را افزایش دهد (چن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). مقاومت برخی والدین یا مدیران مدرسه در برابر محتوای داستان‌ها، به‌ویژه زمانی که روایت‌ها شامل مفاهیم چالش‌برانگیز باشند، نیز از جمله چالش‌های فرهنگی و اجتماعی این روش است. نگرانی‌های مذهبی، سیاسی یا تربیتی ممکن است موجب محدود شدن آزادی معلم در انتخاب داستان شود. شفاف‌سازی اهداف تربیتی، گفت‌وگو با خانواده‌ها، و انتخاب روایت‌هایی با ارزش‌های مشترک فرهنگی، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند از بروز تعارض جلوگیری کرده و زمینه‌ساز پذیرش بیشتر داستان‌گویی در محیط‌های آموزشی شوند (ساری، ۲۰۲۲). در مجموع، استفاده از داستان‌گویی برای آموزش مفاهیم اخلاقی در دوره ابتدایی، نیازمند نگاهی عمیق، هدفمند و چندلایه است. این روش، اگر با طراحی آموزشی دقیق، انتخاب محتوای مناسب، توانمندسازی معلمان، و مشارکت خانواده‌ها همراه باشد، می‌تواند به یکی از مؤثرترین ابزارهای تربیتی تبدیل شود. پژوهش حاضر، با هدف شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی، تلاش دارد تا زمینه‌ساز بهره‌برداری مؤثرتر از ظرفیت‌های داستان‌گویی در تربیت اخلاقی کودکان باشد (لی و پارک، ۲۰۲۳).

### مبانی نظری داستان‌گویی در آموزش ابتدایی

داستان‌گویی در آموزش ابتدایی نه تنها یک ابزار سرگرم‌کننده، بلکه بستری بنیادین برای یادگیری معنادار و رشد همه‌جانبه کودک است. روایت‌ها از دیرباز نقش مهمی در انتقال فرهنگ، دانش و ارزش‌ها ایفا کرده‌اند و در فضای کلاس درس، این نقش به شکل ملموس‌تری ظاهر می‌شود. کودکان از طریق شنیدن و بازگویی داستان‌ها، نه تنها با ساختار زبان آشنا می‌شوند، بلکه مفاهیم انتزاعی را نیز در قالب تجربه‌های ذهنی درک می‌کنند. این تجربه‌سازی ذهنی، زمینه‌ساز شکل‌گیری تفکر اخلاقی و اجتماعی در سنین حساس رشد است (یوسفی و نادری، ۱۴۰۲). در این میان، نظریه رشد شناختی ویگوتسکی تأکید می‌کند که یادگیری کودک در بستر تعامل اجتماعی و زبان شکل می‌گیرد. داستان‌گویی، به‌ویژه زمانی که با گفت‌وگو و پرسش‌گری همراه باشد، کودک را در منطقه تقریباً نزدیک رشد قرار می‌دهد و او را به تفکر، استدلال و درونی‌سازی مفاهیم سوق می‌دهد. این فرایند، نه تنها شناخت را تقویت می‌کند، بلکه به کودک کمک می‌کند تا ارزش‌های اخلاقی را در موقعیت‌های واقعی زندگی بازشناسی کند (تامسون و دیلقادو، ۲۰۲۳). از منظر ساخت‌گرایی، یادگیری زمانی مؤثر است که کودک بتواند مفاهیم را در زمینه‌های واقعی تجربه کند. داستان‌ها با خلق موقعیت‌های خیالی اما قابل لمس، به کودکان امکان می‌دهند تا مفاهیمی چون عدالت، صداقت یا همدلی را در قالب روایت تجربه کنند. این تجربه‌ها، پایه‌ای برای تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در زندگی واقعی خواهند بود و کودک را برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی آماده می‌سازند (ال منصور، ۲۰۲۳).

هم‌زمان، داستان‌ها با ایجاد تضاد، چالش و انتخاب، بستری برای پرورش تفکر انتقادی فراهم می‌کنند. کودک با تحلیل رفتار شخصیت‌ها، ارزیابی پیامدها و پیش‌بینی پایان‌ها، مهارت‌های استدلالی خود را تقویت می‌کند. همچنین، بازنویسی یا تغییر پایان داستان‌ها توسط دانش‌آموزان، خلاقیت آن‌ها را شکوفا کرده و حس مالکیت بر یادگیری را در آن‌ها تقویت می‌کند (عباسی، ۱۴۰۳). نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر نیز نشان می‌دهد که کودکان دارای سبک‌های یادگیری متفاوتی هستند. داستان‌گویی می‌تواند هم‌زمان چندین نوع هوش را فعال کند: هوش زبانی از طریق شنیدن و گفتن، هوش تصویری از طریق تجسم صحنه‌ها، هوش بین‌فردی از طریق درک روابط شخصیت‌ها، و هوش درون‌فردی از طریق هم‌ذات‌پنداری با

1- Chen

2- Sari

3- Lee & Park

4- Thompson & Delgado

5- Al-Mansour

قهرمانان. این تنوع، یادگیری را فراگیرتر و مؤثرتر می سازد (رحمانی، ۱۴۰۲). در فرآیند شکل گیری هویت اخلاقی کودک، داستان ها نقش کلیدی دارند. کودک با هم ذات پنداری با شخصیت هایی که با چالش های اخلاقی مواجه اند، ارزش های درونی خود را می سازد. این درونی سازی، نه تنها بر رفتار کودک تأثیر می گذارد، بلکه نگرش او نسبت به خود و دیگران را نیز شکل می دهد (کریمی و شریفی، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، روایت گری بستری برای تنظیم هیجانی کودک فراهم می کند. کودکان از طریق داستان ها می توانند احساساتی مانند ترس، خشم یا غم را در قالب شخصیت های داستان تجربه و پردازش کنند. این فرایند، به آن ها کمک می کند تا در زندگی واقعی با موقعیت های مشابه بهتر کنار بیایند و مهارت های اجتماعی خود را تقویت کنند (چن و همکاران، ۲۰۲۳).

زبان، به عنوان ابزار اصلی تفکر، در داستان گویی نقشی بنیادین دارد. کودکان از طریق شنیدن، بازگویی و تحلیل داستان ها، واژگان جدید، ساختارهای نحوی پیچیده و سبک های بیانی متنوع را فرا می گیرند. این رشد زبانی، به طور مستقیم بر توانایی های شناختی و تحصیلی آن ها تأثیر می گذارد و زمینه ساز موفقیت های آتی خواهد بود (جیمز، ۲۰۲۳). در کنار همه این مزایا، داستان گویی مفاهیم اجتماعی را به صورت غیرمستقیم و جذاب منتقل می کند. مفاهیمی مانند همکاری، احترام به تفاوت ها و مسئولیت پذیری در دل روایت ها گنجانده می شوند و کودک بدون احساس اجبار، آن ها را درونی می کند. این شیوه، مقاومت کودک را کاهش داده و یادگیری را طبیعی تر می سازد. با این حال، استفاده از داستان گویی در آموزش ابتدایی با چالش هایی نیز همراه است. انتخاب داستان هایی که با فرهنگ، زبان و سطح شناختی کودکان همخوانی داشته باشند، نیازمند دقت و حساسیت است. همچنین، معلمان باید آموزش ببینند تا بتوانند از این ابزار به صورت هدفمند و مؤثر استفاده کنند. تنها در این صورت است که داستان گویی می تواند به ابزاری قدرتمند برای پرورش انسان هایی اخلاق مدار، خلاق و اجتماعی تبدیل شود (لی و پارک، ۲۰۲۲).

### نقش داستان در شکل گیری ارزش های اخلاقی کودکان

داستان گویی در دوره ابتدایی نقشی بنیادین در شکل گیری ارزش های اخلاقی کودکان ایفا می کند. روایت ها با قدرتی که در برانگیختن احساسات، ایجاد هم ذات پنداری، و انتقال تجربه های انسانی دارند، بستری فراهم می کنند که کودک بتواند مفاهیم اخلاقی را نه تنها بشنود، بلکه درونی کند. در این سنین، کودکان در حال ساختن هویت اخلاقی خود هستند و داستان ها همچون آیینه ای عمل می کنند که رفتار، پیامد، و انتخاب را به شکلی ملموس و قابل فهم بازتاب می دهند (عباسی، ۱۴۰۳). وقتی کودک با شخصیت هایی مواجه می شود که در موقعیت های اخلاقی پیچیده قرار دارند، مثلاً انتخاب بین صداقت و راحتی، یا کمک به دیگری در برابر بی تفاوتی، فرصتی برای تأمل و قضاوت پیدا می کند. این فرایند، به ویژه زمانی که با گفت و گو و تحلیل همراه باشد، موجب رشد قضاوت اخلاقی و تقویت حس مسئولیت پذیری می شود. کودک نه تنها رفتار شخصیت ها را ارزیابی می کند، بلکه خود را در جای آن ها تصور کرده و پیامدهای انتخاب ها را درک می کند (ساری، ۲۰۲۲). هم ذات پنداری با قهرمانان داستان، به ویژه آن هایی که با چالش های اخلاقی مواجه اند، موجب درونی سازی ارزش ها می شود. کودک با تجربه ی هیجانی همراه با روایت، نه تنها پیام داستان را می فهمد، بلکه آن را حس می کند. این تجربه ی عاطفی، بسیار مؤثرتر از آموزش مستقیم است، زیرا مقاومت کودک را کاهش داده و یادگیری را طبیعی تر می سازد (یوسفی و نادری، ۱۴۰۲). داستان ها همچنین امکان بازآفرینی و بازنویسی را فراهم می کنند. وقتی کودک پایان داستان را تغییر می دهد یا نسخه ای جدید از آن می نویسد، در واقع در فرایند تصمیم گیری اخلاقی مشارکت می کند. این مشارکت، حس مالکیت بر ارزش ها را تقویت کرده و کودک را از شنونده ی



منفعل به کنشگر اخلاقی تبدیل می‌کند (کریمی و شریفی، ۱۴۰۲). از منظر روان‌شناسی رشد، این فرایندها در سنین ابتدایی بسیار حیاتی‌اند. زیرا کودکان در این دوره، هنوز در مرحله‌ی شکل‌گیری اصول اخلاقی هستند و نیاز به تجربه‌های نمادین دارند تا بتوانند مفاهیم انتزاعی را درک کنند. داستان‌ها با زبان نمادین، استعاره، و موقعیت‌های انسانی، پلی می‌سازند میان تجربه‌ی کودک و مفاهیم اخلاقی پیچیده. در نهایت، داستان‌گویی نه تنها ابزاری برای انتقال ارزش‌هاست، بلکه بستری برای گفت‌وگو، تفکر، و رشد اخلاقی است. معلمانی که از این ابزار به‌صورت هدفمند استفاده می‌کنند، می‌توانند فضایی ایجاد کنند که در آن کودکان نه تنها یاد بگیرند، بلکه بیندیشند، احساس کنند، و انتخاب کنند. این انتخاب‌ها، پایه‌ای برای شخصیت اخلاقی آینده‌ی آنان خواهد بود (رحمانی، ۱۴۰۲).

### تحلیل چگونگی انتقال مفاهیمی چون صداقت، مسئولیت‌پذیری، احترام و همدلی از طریق روایت

انتقال مفاهیم اخلاقی چون صداقت، مسئولیت‌پذیری، احترام و همدلی از طریق روایت، فرایندی پیچیده اما بسیار مؤثر در آموزش ابتدایی است. داستان‌ها با قدرت نمادین و احساسی خود، بستری فراهم می‌کنند که کودک بتواند این ارزش‌ها را نه تنها بشنود، بلکه تجربه کند، درونی سازد و در رفتار خود بازتاب دهد. روایت‌ها برخلاف آموزش مستقیم، مقاومت کودک را برنمی‌انگیزند، بلکه از طریق هم‌ذات‌پنداری، تحلیل موقعیت‌ها و تجربه‌ی هیجانی، یادگیری را طبیعی و پایدار می‌سازند (کریمی و شریفی، ۱۴۰۲). صداقت، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین ارزش‌های اخلاقی، در داستان‌هایی که شخصیت‌ها با وسوسه‌ی دروغ یا پنهان‌کاری مواجه‌اند، به‌خوبی قابل انتقال است. کودک با مشاهده‌ی پیامدهای مثبت یا منفی صداقت در رفتار شخصیت‌ها، به‌تدریج درک می‌کند که راست‌گویی نه تنها اخلاقی، بلکه مفید و سازنده است. وقتی شخصیت داستان با صداقت خود اعتماد دیگران را جلب می‌کند یا از بحران عبور می‌کند، کودک این پیام را به‌صورت غیرمستقیم اما مؤثر دریافت می‌کند (چن و همکاران، ۲۰۲۳). مسئولیت‌پذیری نیز از طریق روایت‌هایی که شخصیت‌ها در برابر انتخاب‌ها و پیامدهایشان قرار می‌گیرند، منتقل می‌شود. کودک با دیدن اینکه شخصیت داستان چگونه مسئولیت اشتباهات یا وظایف خود را می‌پذیرد، به اهمیت پاسخ‌گویی و تعهد پی می‌برد. این نوع روایت‌ها، به‌ویژه زمانی که با گفت‌وگو و تحلیل همراه باشند، کودک را به تفکر درباره‌ی مسئولیت‌های خود در خانه، مدرسه و جامعه سوق می‌دهند (رحمانی، ۱۴۰۲). احترام، به‌عنوان ارزش اجتماعی، در داستان‌هایی که شخصیت‌ها با تفاوت‌های فرهنگی، سنی یا فکری مواجه‌اند، به‌خوبی قابل آموزش است. وقتی کودک می‌بیند که شخصیت داستان با احترام با دیگران رفتار می‌کند و در نتیجه روابط مثبت و حمایت‌گرانه‌ای شکل می‌گیرد، این رفتار را به‌عنوان الگو درونی می‌سازد. همچنین، داستان‌هایی که بی‌احترامی را با پیامدهای منفی نشان می‌دهند، به کودک کمک می‌کنند تا مرزهای رفتاری را بهتر بشناسد (جیمز، ۲۰۲۳). همدلی، که شاید پیچیده‌ترین ارزش درک‌شده در سنین ابتدایی باشد، از طریق روایت‌هایی که کودک را در موقعیت‌های احساسی شخصیت‌ها قرار می‌دهند، منتقل می‌شود. وقتی شخصیت داستان دچار غم، ترس یا تنهایی می‌شود و دیگری با او همدلی می‌کند، کودک این رفتار را نه تنها می‌بیند، بلکه احساس می‌کند. این تجربه‌ی عاطفی، پایه‌ای برای شکل‌گیری همدلی در زندگی واقعی کودک خواهد بود (لی و پارک، ۲۰۲۲). در مجموع، روایت‌ها با ایجاد موقعیت‌های اخلاقی، تضادهای درونی، و پیامدهای رفتاری، بستری فراهم می‌کنند که کودک بتواند مفاهیم اخلاقی را در قالب تجربه‌ی ذهنی و احساسی درک کند. این درک، زمانی مؤثرتر می‌شود که معلم با پرسش‌گری، گفت‌وگو، و فعالیت‌های بازآفرینی، کودک را از شنونده‌ی منفعل به کنشگر اخلاقی تبدیل کند. به این ترتیب، داستان‌گویی نه تنها ابزار انتقال مفاهیم، بلکه بستری برای پرورش شخصیت اخلاقی کودک خواهد بود (عباسی، ۱۴۰۳).

### داستان گویی به عنوان ابزار پرورش مهارت های اجتماعی

داستان گویی در آموزش ابتدایی، فراتر از انتقال مفاهیم اخلاقی، ابزاری قدرتمند برای پرورش مهارت های اجتماعی کودکان محسوب می شود. در سنین ابتدایی، کودکان در حال یادگیری نحوه تعامل با دیگران، درک تفاوت ها، حل تعارض ها و شکل دادن به هویت اجتماعی خود هستند. روایت ها با ایجاد موقعیت های انسانی، تضادهای رفتاری، و روابط میان شخصیت ها، بستری فراهم می کنند که کودک بتواند این مهارت ها را در قالب تجربه های ذهنی و احساسی تمرین کند. برخلاف آموزش مستقیم که ممکن است خشک یا تحمیلی باشد، داستان گویی با زبان نمادین و احساسی خود، یادگیری اجتماعی را به فرایندی طبیعی، جذاب و پایدار تبدیل می کند (ال منصور، ۲۰۲۲). یکی از مهم ترین مهارت های اجتماعی که از طریق داستان گویی قابل پرورش است، توانایی همدلی و درک احساسات دیگران است. وقتی کودک با شخصیت هایی مواجه می شود که دچار غم، ترس، تنهایی یا شادی هستند، و دیگر شخصیت ها با آن ها همدلی می کنند، کودک این رفتار را نه تنها مشاهده می کند بلکه احساس می کند. این تجربه ای عاطفی، به کودک کمک می کند تا در زندگی واقعی نیز بتواند احساسات دیگران را درک کرده و واکنش های مناسبی نشان دهد. همدلی، پایه ای برای روابط انسانی سالم است و داستان ها با قدرت احساسی خود، این مهارت را به صورت غیرمستقیم و مؤثر منتقل می کنند (تامسون و دیلقادو، ۲۰۲۳). داستان ها همچنین بستری برای تمرین مهارت های گفت و گو، همکاری و حل تعارض فراهم می کنند. در بسیاری از روایت ها، شخصیت ها با اختلاف نظر، سوء تفاهم یا تضاد منافع مواجه اند و باید از طریق گفت و گو، مذاکره یا همکاری به راه حل برسند. کودک با مشاهده ای این فرایندها، یاد می گیرد که تعارض بخشی طبیعی از روابط انسانی است و می توان آن را با احترام و گفت و گو حل کرد. این نوع یادگیری، به ویژه زمانی که با فعالیت های کلاسی مانند بازآفرینی داستان یا ایفای نقش همراه باشد، موجب درونی سازی رفتارهای اجتماعی مثبت می شود (لی و پارک، ۲۰۲۲). احترام به تفاوت ها نیز از طریق داستان گویی قابل آموزش است. روایت هایی که شخصیت هایی با فرهنگ، زبان، ظاهر یا توانایی های متفاوت را نشان می دهند، به کودک کمک می کنند تا تفاوت ها را نه تنها بپذیرد بلکه ارزش گذاری کند. وقتی شخصیت داستان با احترام با دیگری رفتار می کند و در نتیجه رابطه ای مثبت شکل می گیرد، کودک این رفتار را به عنوان الگو درونی می سازد. همچنین، داستان هایی که بی احترامی یا تبعیض را با پیامدهای منفی نشان می دهند، مرزهای رفتاری را برای کودک روشن می کنند و او را به بازنگری در نگرش های خود ترغیب می کنند (چن و همکاران، ۲۰۲۳). مسئولیت پذیری اجتماعی نیز از طریق روایت هایی که شخصیت ها در برابر گروه یا جامعه مسئولیت دارند، قابل انتقال است. کودک با دیدن اینکه شخصیت داستان چگونه وظایف خود را در گروه انجام می دهد، یا چگونه در برابر اشتباهات خود پاسخ گوشت، به اهمیت تعهد و مسئولیت در روابط اجتماعی پی می برد. این نوع داستان ها، به ویژه زمانی که کودک بتواند نقش شخصیت را بازی کند یا پایان داستان را تغییر دهد، موجب تقویت حس مسئولیت پذیری و مشارکت اجتماعی می شوند (عباسی، ۱۴۰۳). از منظر روان شناسی رشد، این نوع یادگیری اجتماعی در سنین ابتدایی بسیار حیاتی است. زیرا کودکان در این دوره، هنوز در حال شکل گیری هویت اجتماعی خود هستند و نیاز به تجربه های نمادین دارند تا بتوانند رفتارهای پیچیده را درک و تمرین کنند. داستان ها با زبان استعاره، تضادهای انسانی، و پیامدهای رفتاری، پلی می سازند میان تجربه ای کودک و مهارت های اجتماعی مورد نیاز در زندگی واقعی. این پل، زمانی مؤثرتر می شود که معلم با گفت و گو، پرسشگری، و فعالیت های مشارکتی، کودک را از شنونده ای منفعل به کنشگر اجتماعی تبدیل کند (جیمز، ۲۰۲۳). در نهایت، داستان گویی نه تنها ابزاری برای سرگرمی یا انتقال مفاهیم، بلکه بستری برای پرورش انسان هایی اجتماعی، همدل، مسئول و

گفت و گوگر است. معلمانی که از این ابزار به صورت هدفمند استفاده می کنند، می توانند فضایی ایجاد کنند که در آن کودکان نه تنها یاد بگیرند چگونه با دیگران تعامل کنند، بلکه بیندیشند، احساس کنند، و در روابط خود انتخاب های اخلاقی و اجتماعی آگاهانه داشته باشند. این انتخاب ها، پایه ای برای جامعه ای سالم تر و انسانی تر خواهد بود (رحمانی، ۱۴۰۲).

### ارزیابی تأثیر داستان گویی بر رفتار و نگرش دانش آموزان

ارزیابی تأثیر داستان گویی بر رفتار و نگرش دانش آموزان دوره ابتدایی، نیازمند نگاهی چندلایه به فرایندهای شناختی، هیجانی، اجتماعی و اخلاقی است که در بستر روایت فعال می شوند. داستان گویی، برخلاف آموزش مستقیم که اغلب بر انتقال اطلاعات تمرکز دارد، بستری فراهم می کند که در آن کودک نه تنها شنونده ی پیام، بلکه تجربه گر موقعیت های انسانی می شود. این تجربه ی ذهنی و احساسی، موجب شکل گیری نگرش های پایدار و رفتارهای درونی شده ای می شود که در زندگی روزمره کودک قابل مشاهده اند. روایت ها با قدرت نمادین خود، به کودک اجازه می دهند تا در موقعیت های اخلاقی و اجتماعی قرار گیرد، با شخصیت ها هم ذات پنداری کند، پیامدهای انتخاب ها را درک کند، و در نهایت، ارزش ها و نگرش هایی را درونی سازد که در رفتار او بازتاب می یابند (کریمی و شریفی، ۱۴۰۲). در بررسی های میدانی، مشاهده شده است که کودکانی که به طور منظم در معرض داستان هایی با محتوای اخلاقی و اجتماعی قرار می گیرند، در تعاملات روزمره خود رفتارهایی چون صداقت، همدلی، مسئولیت پذیری و احترام بیشتری نشان می دهند. این رفتارها نه تنها در محیط کلاس، بلکه در خانه و فضای بازی نیز قابل مشاهده اند. به عنوان مثال، کودکی که داستانی درباره ی کمک به دیگران شنیده و آن را تحلیل کرده، در موقعیت واقعی نیز تمایل بیشتری به یاری رسانی دارد. این انتقال از تجربه ی ذهنی به کنش واقعی، نشان دهنده ی قدرت داستان در شکل دادن به رفتار است. همچنین، نگرش کودک نسبت به مفاهیم اجتماعی مانند تفاوت های فرهنگی، عدالت، یا همکاری، پس از مواجهه با روایت هایی که این مفاهیم را به صورت ملموس و انسانی ارائه می دهند، تغییر می کند و به سمت پذیرش، احترام و مشارکت سوق می یابد (چن و همکاران، ۲۰۲۳). از منظر روان شناسی تربیتی، این تغییرات رفتاری و نگرشی، حاصل فعال سازی هم زمان چندین حوزه ی شناختی و هیجانی در ذهن کودک است. داستان ها با تحریک تخیل، برانگیختن احساسات، و ایجاد تضادهای اخلاقی، کودک را به تفکر، تحلیل و تصمیم گیری سوق می دهند. این فرایند، به ویژه زمانی که با گفت و گو، پرسشگری و بازآفرینی همراه باشد، موجب درونی سازی ارزش ها و تثبیت نگرش های مثبت می شود. کودک نه تنها پیام داستان را می شنود، بلکه آن را حس می کند، درباره اش فکر می کند، و در موقعیت های مشابه، آن را به کار می گیرد. این نوع یادگیری، بسیار عمیق تر و پایدارتر از آموزش های مستقیم و خشک است، زیرا با ساختار روانی و هیجانی کودک هم خوانی دارد (ساری، ۲۰۲۲).

نکته ی مهم در ارزیابی تأثیر داستان گویی، توجه به کیفیت روایت و نحوه ی اجرای آن است. داستان هایی که دارای شخصیت پردازی قوی، موقعیت های اخلاقی پیچیده، و پایان های تأمل برانگیز هستند، تأثیر بیشتری بر کودک دارند. همچنین، شیوه ی ارائه ی داستان—مثلاً استفاده از صدای مناسب، توقف برای پرسش، یا دعوت به بازنویسی—نقش مهمی در فعال سازی ذهن کودک ایفا می کند. معلمانی که داستان را صرفاً می خوانند، تأثیر کمتری ایجاد می کنند نسبت به آن هایی که روایت را به تجربه ای مشارکتی تبدیل می کنند. در این تجربه، کودک نه تنها شنونده، بلکه تحلیل گر، خالق و کنشگر است، و این نقش فعال، موجب تثبیت رفتار و نگرش می شود (عباسی، ۱۴۰۳). در پژوهش های تجربی، استفاده از ابزارهایی مانند مشاهده ی رفتاری، مصاحبه با دانش آموزان، و تحلیل فعالیت های کلاسی، نشان داده اند که داستان گویی می تواند به طور مستقیم بر کاهش رفتارهای پرخطر، افزایش همکاری، و تقویت حس مسئولیت پذیری تأثیر بگذارد. کودکانی که در معرض داستان هایی با



محتوای همدلانه قرار گرفته‌اند، در بازی‌های گروهی رفتارهای حمایت‌گرانه‌تری نشان داده‌اند. همچنین، نگرش آن‌ها نسبت به تفاوت‌های فردی—مثلاً در زمینه‌ی توانایی‌های جسمی یا فرهنگی—پذیرنده‌تر و محترمانه‌تر شده است. این تغییرات، نشان‌دهنده‌ی آن‌اند که داستان‌گویی نه تنها ابزار آموزشی، بلکه مداخله‌ای تربیتی است که می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودک نقش ایفا کند (رحمانی، ۱۴۰۲). در نهایت، ارزیابی تأثیر داستان‌گویی بر رفتار و نگرش دانش‌آموزان، باید با نگاهی جامع و چندبعدی انجام شود. این ارزیابی، نه تنها شامل مشاهده‌ی رفتارهای بیرونی، بلکه تحلیل نگرش‌های درونی، گفت‌وگوهای کلاسی، و بازتاب‌های احساسی کودک نیز باید باشد. تنها در این صورت است که می‌توان به درستی فهمید که داستان چگونه بر کودک اثر گذاشته، چه ارزش‌هایی را منتقل کرده، و چگونه رفتار او را شکل داده است. این فهم، پایه‌ای برای طراحی برنامه‌های آموزشی مؤثرتر، انتخاب روایت‌های مناسب‌تر، و تربیت معلمانی خواهد بود که بتوانند از قدرت داستان برای پرورش انسان‌هایی اخلاق‌مدار، اجتماعی و همدل بهره بگیرند (یوسفی و نادری، ۱۴۰۲).

### چالش‌ها و راهکارهای استفاده از داستان‌گویی در آموزش مفاهیم اخلاقی

یکی از چالش‌های اصلی در استفاده از داستان‌گویی برای آموزش مفاهیم اخلاقی، انتخاب محتوای مناسب با سن، فرهنگ و سطح شناختی دانش‌آموزان است. بسیاری از داستان‌ها یا بیش از حد انتزاعی‌اند یا پیام‌های اخلاقی آن‌ها به صورت ضمنی و پیچیده بیان شده‌اند، که درک آن‌ها برای کودکان دشوار است. همچنین، برخی روایت‌ها ممکن است با ارزش‌های فرهنگی یا اجتماعی خانواده‌ها در تضاد باشند و موجب مقاومت یا سوءتفاهم شوند. برای رفع این چالش، معلمان باید داستان‌هایی را انتخاب کنند که از نظر زبانی ساده، از نظر فرهنگی هم‌خوان، و از نظر اخلاقی روشن و قابل تحلیل باشند. استفاده از داستان‌های بومی، بازنویسی‌شده یا خلق‌شده توسط خود دانش‌آموزان می‌تواند این هم‌خوانی را تقویت کند. همچنین، گفت‌وگو با والدین درباره محتوای داستان‌ها، زمینه‌ساز پذیرش بیشتر و مشارکت خانواده در فرایند تربیتی خواهد بود (جیمز، ۲۰۲۳). چالش دیگر، محدود بودن زمان در برنامه‌های درسی رسمی است که اغلب اجازه نمی‌دهد معلمان به صورت عمیق و مشارکتی به داستان‌گویی بپردازند. در بسیاری از مدارس، تمرکز بر آزمون‌های استاندارد و محتوای درسی باعث می‌شود فعالیت‌هایی مانند قصه‌گویی به حاشیه رانده شوند. این در حالی است که داستان‌گویی می‌تواند بستری برای آموزش تلفیقی مفاهیم اخلاقی، زبانی، اجتماعی و حتی علمی باشد. راهکار پیشنهادی، ادغام داستان‌گویی در سایر دروس است؛ برای مثال، استفاده از روایت در درس علوم برای آموزش مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی، یا در درس ریاضی برای تقویت همکاری و حل مسئله گروهی. همچنین، طراحی فعالیت‌های کوتاه و هدفمند داستانی که در زمان‌های انتقالی یا آغاز کلاس اجرا شوند، می‌تواند به بهره‌وری بیشتر کمک کند (لی و پارک، ۲۰۲۲).

یکی از موانع مهم دیگر، فقدان آموزش تخصصی برای معلمان در زمینه استفاده تربیتی از داستان‌گویی است. بسیاری از معلمان، قصه‌گویی را صرفاً به عنوان سرگرمی یا فعالیت جانبی می‌شناسند و با روش‌های تحلیل اخلاقی، پرسش‌گری فلسفی، یا بازآفرینی خلاقانه آشنا نیستند. این کمبود دانش و مهارت، موجب می‌شود که داستان‌ها بدون هدف تربیتی اجرا شوند و تأثیر آن‌ها کاهش یابد. برای رفع این چالش، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای معلمان با محوریت «داستان‌گویی اخلاقی» ضروری است. در این کارگاه‌ها، معلمان می‌توانند با تکنیک‌های انتخاب، اجرا، تحلیل و ارزیابی داستان‌ها آشنا شوند و نمونه‌های عملی را تجربه کنند. همچنین، ایجاد بانک داستان‌های تربیتی با راهنمای اجرا، می‌تواند به معلمان در انتخاب و استفاده مؤثر کمک کند (چن و همکاران، ۲۰۲۳). چالش دیگر، تفاوت‌های فردی میان دانش‌آموزان در درک و واکنش به داستان‌هاست. برخی



کودکان ممکن است با شخصیت های داستان هم ذات پنداری نکنند یا پیام اخلاقی را به درستی دریافت نکنند. همچنین، کودکان با زمینه های فرهنگی، خانوادگی یا هیجانی متفاوت، ممکن است برداشت های متضادی از یک روایت داشته باشند. این تفاوت ها اگر نادیده گرفته شوند، می توانند موجب سوء برداشت یا حتی تقویت رفتارهای منفی شوند. راهکار پیشنهادی، استفاده از گفت و گوهای پس از داستان است؛ جایی که معلم با پرسش های باز، تحلیل گروهی، و فعالیت های مشارکتی، به دانش آموزان کمک می کند تا پیام داستان را درک کرده و با تجربه های خود پیوند دهند. همچنین، دادن فرصت به کودکان برای بازنویسی یا تغییر پایان داستان، موجب فعال شدن تفکر اخلاقی و شخصی سازی یادگیری می شود (ساری، ۲۰۲۲).

از دیگر چالش ها، وابستگی بیش از حد به روایت های آماده و عدم توجه به خلاقیت دانش آموزان در تولید داستان است. وقتی کودکان صرفاً شنونده داستان های از پیش نوشته شده باشند، نقش منفعلانه ای در فرایند یادگیری دارند و فرصت برای رشد خلاقیت، تفکر انتقادی و بیان شخصی از دست می رود. در حالی که یکی از مهم ترین مزایای داستان گویی، امکان مشارکت فعال کودک در خلق معناست. راهکار مؤثر، تشویق دانش آموزان به نوشتن یا بازنویسی داستان هایی با محوریت مفاهیم اخلاقی است. این فعالیت نه تنها موجب درونی سازی ارزش ها می شود، بلکه مهارت های زبانی، اجتماعی و شناختی آن ها را نیز تقویت می کند. معلمان می توانند با ارائه چارچوب های ساده، شخصیت های پیشنهادی، یا موقعیت های اخلاقی، زمینه ساز تولید داستان های دانش آموزی شوند (رحمانی، ۱۴۰۲). در برخی موارد، چالش هایی مانند کمبود منابع مناسب، نبود فضای فیزیکی آرام برای قصه گویی، یا نبود ابزارهای کمک آموزشی (مانند کتاب های تصویری یا ابزارهای نمایشی) نیز مانع اجرای مؤثر داستان گویی می شوند. این موانع به ویژه در مدارس مناطق محروم یا پرجمعیت بیشتر دیده می شوند. برای مقابله با این چالش ها، استفاده از منابع دیجیتال، داستان های صوتی، یا اجرای نمایشی توسط خود دانش آموزان می تواند جایگزین مناسبی باشد. همچنین، طراحی گوشه داستان در کلاس، حتی با امکانات ساده، می تواند فضای مناسبی برای روایت گری ایجاد کند. مشارکت والدین در تهیه منابع یا اجرای داستان ها نیز می تواند به غنای این فرایند کمک کند (کریمی و شریفی، ۱۴۰۲). چالش دیگر، مقاومت برخی والدین یا مدیران مدرسه در برابر محتوای داستان هاست، به ویژه زمانی که روایت ها شامل مفاهیم چالش برانگیز مانند عدالت اجتماعی، تفاوت های فرهنگی یا انتخاب های اخلاقی پیچیده باشند. این مقاومت ممکن است ناشی از نگرانی های فرهنگی، مذهبی یا سیاسی باشد و موجب محدود شدن آزادی معلم در انتخاب داستان شود. راهکار پیشنهادی، شفاف سازی اهداف تربیتی داستان گویی و گفت و گو با والدین و مدیران درباره محتوای آموزشی است. معلمان می توانند با ارائه خلاصه داستان ها، اهداف اخلاقی، و شیوهی اجرای آن ها، اعتماد خانواده ها را جلب کرده و زمینه ساز مشارکت آن ها شوند. همچنین، انتخاب روایت هایی که با ارزش های مشترک فرهنگی هم خوانی دارند، می تواند از بروز تعارض جلوگیری کند (عباسی، ۱۴۰۳). در نهایت، چالش اصلی در استفاده از داستان گویی برای آموزش مفاهیم اخلاقی، نگاه سطحی و ابزاری به این روش است. اگر داستان گویی صرفاً به عنوان فعالیتی تفننی یا تزئینی در نظر گرفته شود، تأثیر تربیتی آن بسیار محدود خواهد بود. در حالی که روایت گری، اگر با هدف گذاری دقیق، طراحی آموزشی، و ارزیابی مستمر همراه باشد، می تواند یکی از مؤثرترین ابزارهای پرورش اخلاقی در دوره ابتدایی باشد. راهکار نهایی، تغییر نگرش در نظام آموزشی نسبت به داستان گویی است؛ یعنی پذیرش آن به عنوان روشی علمی، تربیتی و چندبعدی که قابلیت تلفیق با سایر دروس و اهداف آموزشی را دارد. این تغییر نگرش، نیازمند حمایت سیاست گذاران آموزشی، تولید منابع تخصصی، و توانمندسازی معلمان است (ال منصور، ۲۰۲۲).

### نتیجه گیری

در مجموع، داستان گویی به عنوان یکی از روش های تربیتی مؤثر، ظرفیت بالایی برای انتقال مفاهیم اخلاقی به کودکان دارد. روایت ها با قدرت تخیلی، احساسی و نمادین خود، بستری فراهم می کنند که کودک بتواند مفاهیم انتزاعی مانند صداقت، همدلی، مسئولیت پذیری و احترام را در قالب تجربه های ذهنی و عاطفی درک و درونی کند. این نوع یادگیری، برخلاف آموزش مستقیم، با مقاومت کمتری همراه است و موجب شکل گیری نگرش های پایدار و رفتارهای اخلاقی در زندگی روزمره کودک می شود. با این حال، بهره برداری مؤثر از داستان گویی در آموزش ابتدایی نیازمند توجه به چالش های متعدد است. از جمله این چالش ها می توان به انتخاب محتوای مناسب، محدودیت های زمانی در برنامه درسی، فقدان آموزش تخصصی برای معلمان، تفاوت های فردی میان دانش آموزان، کمبود منابع و مقاومت فرهنگی اشاره کرد. این موانع اگر نادیده گرفته شوند، می توانند تأثیر تربیتی روایت ها را کاهش داده و حتی موجب سوء برداشت یا تقویت رفتارهای منفی شوند. راهکارهای پیشنهادی برای مقابله با این چالش ها شامل طراحی روایت های هم خوان با فرهنگ و سطح شناختی کودکان، تلفیق داستان گویی با سایر دروس، توانمندسازی معلمان از طریق کارگاه های آموزشی، استفاده از گفت و گوهای پس از داستان، بهره گیری از منابع دیجیتال و مشارکت خانواده ها در فرایند تربیتی است. این راهکارها نه تنها موانع اجرایی را کاهش می دهند، بلکه موجب غنای بیشتر تجربه ی یادگیری و تقویت مشارکت فعال دانش آموزان در فرایند اخلاقی می شوند. نکته ی کلیدی در موفقیت داستان گویی به عنوان ابزار تربیتی، تغییر نگرش در نظام آموزشی نسبت به این روش است. اگر روایت گری صرفاً به عنوان فعالیتی تفننی یا تزئینی تلقی شود، تأثیر آن بسیار محدود خواهد بود. در مقابل، پذیرش داستان گویی به عنوان روشی علمی، تربیتی و میان رشته ای، زمینه ساز تحول در آموزش اخلاقی و اجتماعی کودکان خواهد بود. این تحول نیازمند حمایت سیاست گذاران آموزشی، تولید منابع تخصصی، و ایجاد زیرساخت های اجرایی مناسب است. پژوهش حاضر نشان داد که داستان گویی، اگر با طراحی آموزشی دقیق، انتخاب محتوای هدفمند، و اجرای مشارکتی همراه باشد، می تواند به یکی از مؤثرترین ابزارهای پرورش شخصیت اخلاقی در دوره ابتدایی تبدیل شود. این روش، نه تنها موجب انتقال مفاهیم، بلکه بستری برای تجربه، تحلیل، و انتخاب اخلاقی فراهم می کند. به این ترتیب، کودک از شنونده ی منفعل به کنشگر اخلاقی تبدیل می شود و یادگیری به فرایندی زنده، انسانی و پایدار بدل می گردد. در پایان، پیشنهاد می شود که پژوهش های آینده به بررسی تجربی تأثیر انواع روایت ها بر گروه های مختلف دانش آموزان بپردازند و چارچوب های اجرایی برای تلفیق داستان گویی با برنامه های درسی رسمی طراحی کنند. همچنین، تولید منابع چندزبانه و بومی سازی روایت ها می تواند به گسترش این روش در مناطق مختلف فرهنگی کمک کند. تنها با چنین رویکردی است که می توان از ظرفیت های داستان گویی برای تربیت نسل هایی اخلاق مدار، همدل و مسئول بهره برداری کامل کرد.

## منابع

۱. حسینی، م.، و رستمی، ع. (۱۴۰۳). تحلیل محتوای داستان های کودکانه با رویکرد آموزش مفاهیم اخلاقی در کتاب های درسی فارسی ابتدایی. *پژوهشنامه تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱۱ (۳): ۷۷-۹۸.
۲. رحمانی، ف. (۱۴۰۲). طراحی برنامه درسی آموزش فارسی مبتنی بر رویکرد قصه گویی در دوره ابتدایی. *پژوهش های نوین در آموزش زبان فارسی*، ۹ (۱): ۲۳-۴۰.
۳. عباسی، ف. (۱۴۰۳). طراحی و اعتبارسنجی بسته آموزشی مبتنی بر داستان گویی برای آموزش ارزش های اخلاقی به کودکان. *پژوهش های تربیتی نوین*، ۶ (۲): ۵۵-۹۱.
۴. کریمی، ن.، و شریفی، ه. (۱۴۰۲). نقش روایت گری در کاهش رفتارهای پرخطرهای پرخطرگانه دانش آموزان ابتدایی: مطالعه ی موردی. *مجله روان شناسی کودک و نوجوان*، ۱۰ (۴): ۵۲-۷۰.
۵. یوسفی، س.، و نادری، م. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر قصه گویی گروهی بر تقویت همدلی و مسئولیت پذیری در دانش آموزان پایه سوم ابتدایی. *مجله علوم تربیتی و روان شناسی کاربردی*، ۱۵ (۱): ۱۰۱-۱۱۶.

1. Al-Mansour, N. S. (2022). The impact of digital storytelling on moral reasoning among primary school students. *Education and Information Technologies*, 27(5), 6789–6805. <https://doi.org/10.1007/s10639-022-11045-3>
2. Chen, J., Liu, Y., Dai, J., & Wang, C. (2023). Development and status of moral education research: Visual analysis based on knowledge graph. *Frontiers in Psychology*, 13, Article 1079955. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.1079955>
3. James, M. (2023). *Storytelling and play as pedagogical tools for teaching moral values in early childhood education*. Retrieved from <https://www.researchgate.net>
4. Lee, H., & Park, S. (2022). Narrative-based moral education and empathy development in elementary classrooms. *Journal of Moral Education*, 51(2), 145–162. <https://doi.org/10.1080/03057240.2022.2034567>
5. Sari, R. (2022). Storytelling in early childhood education: Time to go digital. *International Journal of Child Care and Education Policy*, 16(1), 1–15. <https://doi.org/10.1186/s40723-021-00081-x>
6. Thompson, A., & Delgado, M. (2023). Integrating storytelling into character education: A classroom intervention study. *Early Childhood Research Quarterly*, 64, 89–102. <https://doi.org/10.1016/j.ecresq.2023.01.004>